

خشونت، تروریسم و جنایت جنگی محکوم است

آنچه اکنون در غزه می‌گذرد از چشم انداز اخلاق انسانی و حقوق بشری و حتی اخلاق جنگ، فاجعه ای دهشتناک است. در این حمله بیرحمانه شهروندان غیر نظامی و بی دفاع فلسطینی بویژه کودکان و زنان قربانیان عمده را تشکیل میدهند و ساختمانهای بیمارستان و مدرسه و مسکونی به ویرانی کشیده میشوند. این نخستین بار نیست که کنوانسیونهای بین المللی بویژه کنوانسیونهای ژنو و پرتکل الحاقی، در منع هدف قرار دادن تاسیسات غیر نظامی توسط طرفهای درگیر نادیده گرفته میشوند. شور بختانه اقدامات بازدارنده ای را هم از سوی

نهادهای بین المللی و کشورهای غربی و منطقه ای بعلت ملاحظات سیاسی آنچنان که باید شاهد نیستیم. فراموش نکنیم که اینگونه اقدامات نظامی بیرحمانه آتش کینه و انتقامجویی را بیشتر شعله ور می‌سازد و موجب بستر سازی افراط و خشونت‌های بیشتر خواهد شد. محاصره غزه توسط نیروهای اسرائیل و در تنگنا قراردادن مردم بی پناه فلسطین، نداشتن دسترسی به ابتدائی ترین نیازهای روزمره، نبود امکانات درمانی لازم، و جلوگیری از کمکهای بشردوستانه بین المللی به مردم محاصره شده فلسطین بهیچوجه قابل قبول نیست. حمله هوایی هولناک و وحشیانه اسرائیل به غزه همراه با حمله زمینی بیرحمانه روند زندگی را در غزه بکلی متوقف کرده است مزید بر ظلم فاحش و قربانیان بی گناه بسیار شده است و احساسات عمومی جهانیان را چنان جریحه دار کرده که عملکرد ستیزندگان فلسطینی را که بهانه این حمله ها بوده در سایه برده است.

جبهه ملی ایران این حمله مستمرا نه و غیر انسانی و نامتعادل هوایی را محکوم میکند و امیدوار است گروه حماس به رهنمایی عقلانیت اختلاف خود را با دولت خودگردان فلسطین کنار گذاشته دست در دست هم نهاده

سخنی در مورد انتخابات

کلمه انتخابات در ساختار جمهوری اسلامی معنی و مفهوم واقعی خود را از دست داده و به واژه‌ای بی محتوی و عنوانی بدون مصداق تبدیل شده است. در اوضاع و احوال موجود ایران صرف نظر از اینکه پیش شرط‌های لازم برای انجام یک انتخابات واقعی مانند آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و آزادی احزاب محقق نیست آزادی کاندید شدن برای هر یک از افراد ملت ایران نیز قابل تصور نمیباشد و این فقط شورای نگهبان انتصاب شده از طرف حاکمیت است که باید اجازه دهد تا فردی بتواند بعنوان کاندیدا پابر صحنه انتخابات بگذارد. و بدیهی است که این شورای انتصابی هم با استفاده از حربه نظارت استصوابی به احدی جز وابستگان و سرسپردگان به حاکمیت امکان حضور در انتخابات را نمیدهد نتیجه آنکه مردم در روز به اصطلاح انتخابات با لیستی از وابستگان به حاکمیت جمهوری اسلامی رویرو هستند که ناگزیرند فقط از میان آنان به یک نفر رای بدهند. از شخصیت‌های ملی و آزاد میخواه، از متخصصین میهن دوست و از دگراندیشان کسی در صحنه نیست و برای ملت ایران تنها دوراه باقی میماند یا باید در پای صندوق چنین انتخاباتی حضور نیابد و یا بی اعتنائی به آن عدم قبول چنین انتخاباتی را به جهانیان نشان دهد و یا اگر بنا بر ملاحظاتی که بر همگان روشن است احساس کرد که نیاز به مهور شدن شناسنامه خود به مهر انتخابات دارد فقط باید به یکی از عوامل حاکمیت رای بدهد البته تعداد زیاد آرای سفید و باطله نیز اجبار به رای دادن و نیاز به مهر خوردن شناسنامه هارا نشان میدهد. بهر حال راه سومی برایش متصور نیست. در انتخابات‌های گذشته به دلایلی که ذکر آن رفت انتخابات غیر دموکراتیک و ناعادلانه و در محدوده خودی‌های حاکمیت بود ولی در انتخابات نهم ریاست جمهوری علاوه بر عدم رعایت موازین دموکراسی عدم سلامت انتخابات رانیز بیش از پیش شاهد بودیم تا آنجا که شخصیت‌های کلیدی درون حاکمیت هم از ناسالمی آن فریادشان بلند شد و گفتند که ناچارند از این ناپاکار یهاشکایت به درگاه خدا ببرند و بس. اکنون دولت نهم به پایان دوره خود نزدیک می‌شود و انتخابات جدیدی ظاهرا با همان شیوه‌ها و ترفندهای شناخته شده قبلی در پیش روست. دولت نهم با شعارهای ناعقل و نسنجیده و تنش آفرین از لحاظ سیاست خارجی و بین المللی چهار سال کشور را معطل نموده و چه بسا مخاطراتی رانیز برای کیان ملی ما فراهم نموده است و با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نادرست برخلاف شعار آوردن پول نفت بر سر سفره مردم قسمت‌های بسیار بیشتری از جامعه را به زیر خط فقر کشانده و تورم و گرانی و فقر و بیعدالتی روز افزونی را به این ملت تحمیل نموده است تا جائیکه بخش‌هایی از درون حاکمیت و حتی مجلس ساخته و پرداخته حکومت فریاد اعتراضشان نسبت به عملکرد این دولت بلند شده است ولی با این حال هنوز مقامات بالای این نظام به فکر حمایت و ایقای چنین دولتی با چنین دستاوردهائی هستند. از طرف دیگر جناح معروف به اصلاح طلبان درون حاکمیت با کارنامه پرافتخار سوزیهای گذشته نه از انسجام و وحدت نظر لازم برخوردار است و نه جسارت ضروری جهت انتقاد از وضع نابسامان موجود در اردو نه شجاعت تاختن پر شور به میدان انتخابات که به هر حال امکان آن برای آنان فراهم است در آنها دیده میشود. ضمنا به این نکته مهم نیز توجه ندارند که مجموعه حاکمیت که از همه لحاظ به بن بست رسیده ناگزیر است تا بار دیگر به آمدن آنان به صحنه تن در دهد. یکی از چهره‌های اصلاح طلب که شانس بیشتر و فرصتی فزون تر برای ورود به عرصه انتخابات را دارد در انتظار چراغ سبز مقامات کلیدی نظام است و متوجه نیست که او نیاز به موافقت کسی ندارد و این کل حاکمیت است که نیازمند اوست زیرا که در شرایط داخلی و بین المللی موجود جایگزین دیگری در اختیارش نیست. آیا این اصلاح طلبان حکومتی واقعا قادرند که از فرصت تاریخی که در اختیار آنان است در جهت نجات و ثبات کشور بهره بگیرند؟ و آیا

اراده آن را دارند که آغازگر تغییرات بنیادی در جهت برقراری فضایی قابل تحمل و قابل قبول برای ملت ایران باشند؟

جبهه ملی ایران فضای سیاسی کشور را به دقت زیر نظر دارد و در زمان لازم نظر خود را در مورد انتخابات پیش رو رسما به اطلاع ملت شرافتمند ایران خواهد رسانید.

نقض حقوق بشر همچنان ادامه دارد

رسیدن به آزادی‌های فردی و اجتماعی آغاز راهیست که در آن دستیابی به دموکراسی و حاکمیت ملت امکان پذیر میشود. از این رو است که بر قدرت نشستگان حاکم پیوسته در پی آنند که هر چه بیشتر آزادی‌ها را محدود و آزادخواهان را به زنجیر کشند. روزی نیست که در رسانه‌ها خبرهایی از اخطار و احضار و محکومیت صاحبان اندیشه دیده و شنیده نشود. در یک ماهی که گذشت فشار ماموران حکومت در محور آزادیها سیری صعودی داشته است.

جبهه ملی که برای بررسی امور درون سازمانی خویش مقدمات تشکیل پلنوم (مجمع فعالان) را تدارک دیده بود با ممانعت دستگاههای اطلاعاتی مواجه شد و خبر این برخورد در اکثر خبرگزاریها آمد و جهانیان دانستند حکومتی که از قدرت جهانی خود سخن میگوید و در توهم برخورداری از حمایت مردم است اجتماع محدودی را که یک سازمان شناخته شده ملی در خانه ای میخواهد برگزار کند تحمل نمیکند و دست به تهدید و تعطیل میزند. (جبهه ملی ایران بموجب اطلاعیه ای به نقض آزادی بیان و اجتماعات به شدت اعتراض نمود).

سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی کارگران که برای کسب حقوق صنفی ایجاد شده است و میتواند جایی برای بیان خواسته‌های گروهی کارگران باشد از نظر حاکمیت رسمیت ندارد و غیر قانونیست و اگر سندیکائی چون کارگران شرکت واحد در مجمع بین المللی برسمیت شناخته شده باشد مدیران آن تحت سخت ترین پیگردها و محکومیتها قرار میگیرند. اکنون مدتهاست که آقای اصلانو رئیس هیئت مدیره این سندیکا به اتهام اقدام علیه امنیت کشور دوران

زندانی را میگذراند و در ماه گذشته نایب رئیس هیئت مدیره سندیکای اتوبوس رانی آقای ابراهیم مددی نیز بازداشت شد. در حالیکه سندیکاهای کارگری جنبه صنفی دارند حکومت وجود آنها را تاب نمی‌آورد.

در جای دیگر مجامع مدافع حقوق بشر را که در همه جای جهان معمولاً گروه‌هایی مستقل هستند ولی در ایران تحمل نمیشوند که نمونه آن هجوم به محل مدافعان حقوق بشر است که ماموران به این محل یورش میبرند، حاضران را با تهدید و توهین بیرون میکنند و درهای این محل را قفل و لاک و مهر مینمایند. چند روز بعد به بهانه امور مالیاتی که از رژیم گذشته پیوسته بهانه‌ای برای توقیف و ایجاد مزاحمت بوده بدفتر و کالت خانم شیرین عبادی میروند بدون اینکه کوچکترین اخطار مالیاتی به ایشان شده باشد کامپیوترهای این دفتر و پرونده‌های موجود در آن را با خود میبرند و به اعتراض خانم عبادی توجهی نمیکنند.

فشار و اذیت و آزار این بانوی آزادیخواه ادامه می‌یابد و حدود یکصد و پنجاه نفر بنام دانشجویان بسیجی به خانه ایشان میروند و پس از ساعت‌ها شعار و توهین و تهدید دیوارهای خانه و کویچه را بانوشتن شعارهای تهدید آمیز پر میکنند و نیروی انتظامی که توسط خانم عبادی مطلع شده بود در محل حاضر میشود ولی ممانعتی بعمل نمی‌آورد. خانم عبادی جان خود را در خطر می‌بیند. صد هانفر از آزادیاندیشان و معتقدان به حقوق بشر در نامه‌هایی به این نقض آشکار حقوق خانم عبادی اعتراض می‌کنند از سوی اتحادیه اروپا، دولت آمریکا و دبیرکل سازمان ملل متحد به دولت ایران اعلام میکنند که باید زندگی و سلامت این بانوی

برنده جایزه صلح نوبل و مدافع حقوق بشر در ایران تضمین شود. جبهه ملی ایران نیز به این اقدام علیه حقوق بشر به شدت اعتراض میکند و آنرا گامی در راستای خودکامگی حاکمیت میداند ولی جمهوری اسلامی همچنان به نقض آشکار حقوق بشر ادامه میدهد.

دانشجویان دانشگاه‌ها هر روز و هر ساعت در معرض فشار هستند روزی در تهران و روز دیگر در شیراز و کردستان. روزنامه کارگزاران که انتشار دهنده نظریات جناحی از حاکمیت است نیز از توقیف مصون نمیماند و بعلاوه انتشار اعلامیه‌ای از سوی دفتر دانشجویان تحکیم و وحدت درباره غزه ممنوع انتشار میشود و مقامات امنیتی بسرعت حکم بر غیرقانونی بودن این گروه شناخته شده دانشجویی میدهند. در روزهایی که گذشت دانشگاهها در ایجاد ممنوعیت تحصیلی و صدور احکام انضباطی و سلب آزادیهای فردی و اجتماعی و صنفی دانشجویان بسیار فعال تر شده‌اند. در دانشگاه‌ها توطئه‌هایی برای برانگیختن گروهی علیه گروه دیگر در شرف انجام است تا دانشجویان به مقابله با استبداد نپردازند و بسوی برخوردهای لفظی و فیزیکی جهت حذف یکدیگر برآیند. اگر معدودی در این دام گرفتار آمده‌اند ولی اکثریت دانشجویان آگاه دانشگاه‌ها از آنچه که خواست ملت ایران است و آن مبارزه بی‌امان برای کسب آزادی‌های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر است حمایت میکنند. دانشجویان اجازه نخواهند داد تا مخالفین جنبش دانشجویی با ایجاد تفرقه در میان دانشجویان این نیروی عظیم را از هدف بازدارند. باشد که دانشجویان در پیچ و خم‌های آفریده شده برای آنان گرفتار نیایند و راه مشترک خود را که استقرار دموکراسی و آزادی و مبارزه ضد استبداد است هماهنگ و استوار ادامه دهند. درس‌زمینی که کارگران، دانشجویان و فرهیختگان آن از نبود آزادی رنج میبرند، مبارزه آزادیخواهانه برای تحقق آزادیهای اجتماعی و فردی نخستین و مهمترین گام برای تامین سعادت مردم است.

خشونت، تروریسم و جنایت جنگی محکوم است

و با اسرائیل بگونه‌ای عمل کنند که هرگونه بهانه و دستاویزی برای عملیات دلخراش و توحش آمیز گرفته شود. انتقام زاینده انتقام است و دور تسلسل هیچگاه کار جنگ و خونریزی را پایان نمی‌بخشد.

جبهه ملی ایران ضمن تقبیح هرگونه خشونت، تروریسم و جنایت جنگی با خانواددهای غیر نظامیان بی‌گناه کشته شده در فلسطین و اسرائیل احساس همدردی میکند و از همه کشورهای بی طرف و باورمند به حقوق بشر دعوت مینماید تا با محکوم ساختن این جنایات و فشار بر دو طرف درگیری برای پایان بخشیدن به این فاجعه باری رسانند تا گروه‌های میانه رو در منطقه ابتکار عمل را بدست گیرند و روند صلح را پی جویند و با توفیق‌هایی اصولی و با ثبات و عمل به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل بویژه قطعنامه شماره ۲۳۸ برای تشکیل دولت مستقل فلسطین، آرامش را به منطقه بازگردانند و جنگ طلبان را در رسیدن به اهدافشان نا کامیاب سازند.

بودجه و اقتصاد ایران در چهارراه حوادث

سقوط بیش از ۱۰۰ دلاری قیمت نفت در ماههای پایانی سال ۲۰۰۸ دلیل اوج گیری رکود اقتصاد جهانی و ترکیدن حباب سفته بازی بر روی نفت، در شرایط فراوانی و ارزانی تامین منابع مالی در چند سال اخیر، سیاست بازان و خوش خیالان دولتمرد شده در ممالک صاحب نفت را با مشکلات عظیم تصمیم گیری مواجه کرده است. از یک طرف ۳ برابر شدن قیمت نفت در چهار سال همراه با فشار بر استخراج و صادرات، هرگونه ملاحظه مالی و احتیاط در خرج را در شرایط رواج بازی های سیاسی و انتخاباتی و یا پخش پول عمومی بین خود دولتمردان و یا افراد خانواده را غیر ضروری می ساخت و از طرف دیگر انتظار بازده بیشتر درآمدها، راه افتادن پروژه ها، ورود سرمایه های خارجی و امکان استفاده از اعتبارات خارجی، منتقدان را وادار به سکوت و دنباله روی می کرد.

در میان کشورهای صادرکننده نفت وضع کشور ما از همه بحرانی تر و وابستگی سلامت اقتصادی و تعادل اجتماعی ما به نفت از همه کشورها بیشتر می باشد. اگر ۵ سال قبل با نفت بشکه ای ۳۰ دلار (عملاً ۲۶/۹ دلار) مخارج ارزی و بودجه ای کشور و دولت تامین میشد و مازاد درآمد نیز داشتیم، امروز طبق پیش بینی مراکز اقتصادی بین المللی دولت باید نفت را حداقل بشکه ای ۸۸ دلار بفرشد تا سطح مخارج فعلی ارزی و بودجه ای خود را پوشش دهد با توجه به قیمت های رایج فعلی و پیش بینی تداوم رکود اقتصادی حداقل تا اواسط سال ۲۰۱۰، قیمت نفت بین ۴۰ تا ۴۵ دلار در نوسان خواهد بود و در نتیجه در حدود ۵۰ درصد نیازهای صوری ایجاد شده به ارز در ۳ سال اخیر تامین نخواهد شد. در حالی که اگر طبق برنامه چهارم (بند الف ماده ۱) و بر مبنای نفت بشکه ای ۱۹ دلار رفتار میشد اینک میبایست ۵۵ میلیارد دلار موجودی ارزی ناشی از بالاترین قیمت نفت میداشتیم.

نیاز کشورهای عمده صادرکننده به قیمت نفت در سال آینده با توجه به سطح فعلی مخارج ارزی و بودجه ای آنها در مقایسه با ایران نشان میدهد و روشن میکند که کشور ما حدوداً ۶۰ درصد بیش از سایر کشورهای صادرکننده نفت به قیمت بالای نفت وابسته است.

ادامه وابستگی بودجه عمومی به درآمد نفت در حدود ۷۰-۶۰ درصد سال های ۸۷-۱۳۸۴ بوده است هرچند در سال های اخیر برای نشان دادن کاهش وابستگی، قسمتی از درآمد نفت را به صورت مالیات در بودجه گنجانده اند و مالیات های غیرمستقیم (مالیات بر واردات به صورت حقوق گمرکی) نیز وابسته به درآمد نفت است.

مشکل دوم مدیریت کشور در سال آینده، راضی نگاه داشتن صدها مرکز هزینه و افراد قدرتمند در مراکز بر نفوذی است که در سالهای اخیر از درآمد نفت سهم هزینه داشته اند. ردیف های بودجه و بندهای ذکر شده در زیر ردیف های آشکار و پنهان مخارج، نشان میدهد که دولت مشکل بسیار

کشور ما

حدوداً ۶۰ درصدیش از

سایر کشورهای صادرکننده نفت

به قیمت بالای نفت

وابسته است

بزرگی در نه گفتن به این مراکز و افراد قدرتمند و پرنفوذ خواهد داشت. مشکل سوم آزادگاری واردات و ظهور نیاز ارزی ۷۰-۶۰ میلیارد دلاری در سال برای واردات است که در سالهای اخیر ظاهراً برای کاستن فشارهای تورمی در داخل از سه راه فروش ارز به هر مقدار، برچیدن مقررات حفاظتی و حمایتی از تولیدات داخلی (مثل ثبت سفارشی، اخذ ودیعه ثبت سفارش و...) و کاستن یا حذف تعرفه ها صورت پذیرفته است. افزایش خارق العاده واردات در سالهای اخیر حیرت انگیز است و برای سال آینده پیش بینی واردات حدود ۴۸ میلیارد دلار شده است و این ارقام جدا از میزان واردات قاچاق سالانه کالا است.

مشکل چهارم ثابت نگاه داشتن نسبی نرخ ارز علیرغم نرخ تورم ۱۵ تا ۲۵ درصدی داخلی باز هم به خاطر جلوگیری از بالا رفتن بیشتر قیمت های داخلی (ناشی از بالا رفتن هزینه

اگر طبق برنامه چهارم

عمل میشد در پایان سال ۱۳۸۷

می بایست

موجودی حساب ذخیره ارزی به

۱۳۲ میلیارد دلار میرسید

واردات و رواج بیشتر جو تورمی) بوده است. به عبارت دیگر دولت به جای کنترل هزینه های جاری که علت اصلی افزایش ۴۰-۳۰ درصدی نقدینگی و ایجاد فشارهای تورمی در کشور بوده است وظیفه کاستن فشارهای تورمی را به دوش واردات نرخ ارز انداخته است که در نتیجه بخش صنعت و صادرات را

فدا کرده است.

پیش بینی درآمد نفت و گاز طبق برنامه چهارم سال اول ۸۷-۱۳۸۴ برابر ۱۴۳ میلیارد دلار بوده که عملاً دریافتی ها به ۲۷۵ میلیارد دلار رسیده است. به عبارت دیگر اگر طبق برنامه چهارم عمل میشد در پایان سال ۱۳۸۷ می بایست موجودی حساب ذخیره ارزی به ۱۳۲ میلیارد دلار میرسید که حداقل برای ۵ سال و در صورت اعمال انضباط مالی دولت، میشد برای ده سال اقتصاد داخلی را در مقابل نوسانات بین المللی قیمت نفت بیمه کرد.

راه حل مسئله ایرادسختی های آتشین درباره عدم تاثیر بحران اقتصاد جهانی بر اقتصاد ایران نیست که خارج از کشور مایه تبسم مطلعین شده است. راه حل بازنگری تک تک اقلام مخارج ارزی و ریالی در چهار سال اخیر است که از ۲/۳۰۴ هزار میلیارد ریال سال ۱۳۸۳ حداقل به ۷/۸۲۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۸۷ می رسد (بدون منظور کردن کسر بودجه). در همین چهار سال واردات سالانه حداقل ۲۰ میلیارد دلار بیشتر شده است و حساب موازنه سرمایه پرداخت از ۲۳۸۸ میلیون دلار مثبت (ورود سرمایه ها) در سال ۱۳۸۳ به ۱۳۳۷۵ میلیون دلار منفی (خروج سرمایه) در سال ۱۳۸۶ تبدیل شده است و تنها در ۳ ماهه اول سال جاری این حساب ۴۵۹۵ میلیون دلار منفی بوده است.

اوباما رئیس جمهور آمریکا که در یک نیمروز خزانه داری اش می تواند ده ها میلیارد دلار اوراق قرضه بفرشد ولی در اثر سوء سیاست های دولت قبلی با وضع مشابهی روبرو خواهد بود اولین اولویت خود را بازنگری تک تک اقلام بودجه و هزینه های سال ۲۰۰۹ قرار داده است تا با کمک کنگره از ولخرجی های دولت بوش جلوگیری کند و طرح هزار میلیارد دلاری کمک به اقتصاد را هدفمند و موثرتر اجرا نماید.

در ایران آیا بودجه ریزی بر اساس راضی کردن مراکز نفوذ و قدرت و ملاحظات سیاسی و انتخاباتی (وعده دادن یارانه نقدی، متعهد کردن دولت در سفرهای استانی، ...) به مجلس و دولت اجازه میدهد که واقع بینانه بودجه ریزی کنند و جلوسازی از عدم تعادل ها مخصوصاً تورم بی بندوبار کنونی را بگیرند؟!

دیگر بهانه بالا رفتن قیمت های بین المللی نیز وجود ندارد. و راضی نگاه داشتن عامه مردم از راه حذف عوامل تورم زا (رشد بودجه جاری دولت، آزادی عمل انحصارات، فقدان نظارت و کنترل واقعی هزینه ها و ناکارآمدی سیستم توزیع) بسیار آسان تر و بادوام تر از پخش پولهای موردی است

معضل ترافیک با ضرب و زور حل نمیشود

بیش از یکماه است که در برخی از مناطق تهران حضور گسترده نیروهای نظامی و انتظامی در حاشیه خیابان‌ها نمای یک شهر اشغال شده را در ذهن تداعی میکند. در این مناطق به فواصل کوتاه دو یا چند نفر نیروی مسلح ایستاده و به آمد و رفت مردم و اتومبیل‌ها نظارت میکنند. در مورد این حضور چشم گیر نیروهای نظامی در معابر عمومی گفته میشود که این حضور پر رنگ جهت ساماندهی امر ترافیک و اجرای مقررات راهنمایی و رانندگی مقرر گردیده است.

اگر این چندین نیروهای ویژه در خیابان‌ها بمنظور ایجاد جور عب و به اصطلاح نسق گرفتن از مردم در این اوضاع و شرایط نابسامان کشور نیست و واقعا قصد و منظور فقط رفع مشکلات ترافیکی میباشد که باید گفت معضل ترافیک با ضرب و زور حل نمیشود. ترافیک پایتخت که کم کم به سایر شهرهای بزرگ و کوچک کشور نیز سرایت کرده و صرف نظر از آلودگی هوا و عوارض سنگین ناشی از آن، هر روز میلیون‌ها ساعت از وقت مفید و کاری مردم را تلف نموده و میلیون‌ها لیتر بنزین را به هدر داده و میلیاردها تومان خسارت به بار می‌آورد مسئله ای نیست که با زور و به توسط پلیس با توم به دست گره کوران گشوده شود. برای حل کردن مسئله ترافیک باید هر خورد علمی و کارشناسانه داشت و برنامه ریزی‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را مدنظر قرارداد و هزینه‌های لازم را پرداخت نمود.

باید به راه حل‌های اساسی و مشکل گشا فکر کرد نه به میدان آوردن نیروهای ویژه و سرگردان کردن مردم در خیابان‌ها در جستجوی یک جای پارک. باید وسایل نقلیه همگانی مانند مترو، اتوبوس و خودروهای عمومی دیگر باندازه لازم و کافی در اختیار مردم قرار گیرد. باید پارکینگ‌های طبقاتی در محل و خیابان که نیاز به آنها حس میشود توسط شهرداری‌ها احداث شود. باید با در نظر گرفتن تسهیلات ویژه و مزایائی که توجیه اقتصادی فراهم نماید بخش خصوصی را به ساختن پارکینگ‌های طبقاتی تشویق و ترغیب نمود. باید از زیرگذرها و پل‌های هوایی بطور گسترده در تقاطع‌ها بهره گرفت. باید بزرگ راه‌های جدید با طرح‌های زمان بندی شده معقول و نه با حرکت لاک پشت گونه احداث کرد. باید در بن بست‌هایی که با خرید و تخریب یک یاد و پلاک ثبتی گشوده شده و خیابانی قابل عبور ایجاد میگردد اقدام توسط شهرداری‌ها انجام گیرد. باید نسبت به اجرای طرح‌هایی که مربوط به تعریض خیابان‌ها است و فعلا به مرور زمان و تصمیم و اراده مالکین مشمول طرح معلق مانده بصورت مثبت و با پیگیری برخورد شود. باید بین تعداد اتومبیل‌های جدید که به سطح محدود خیابانها روانه میکنند با تعداد اتومبیل‌های فرسوده که باید جمع‌آوری شوند تناسبی معقول برقرار گردد و مشکل

تولید و فروش کارخانه‌های مونتاژ اتومبیل به اشکال مقتضی دیگری از جمله تغییر خط تولید به ماشین‌های کشاورزی و ترابری که بسیار مورد نیاز کشورند حل گردد نه اینکه همچنان با تولید و ریختن روز افزون اتومبیل‌های سواری به خیابانهای شهرها به معضل ترافیک بیفزایند. باید ساعات شروع و خاتمه کار مدارس، ادارات، واحدهای صنفی، بانک‌ها و دیگر موسسات به نحوی تنظیم شود که شروع و خاتمه کار آنها مختلف و تدریجی باشد تا عبور و مرور در خیابان‌ها روان تر گردد. باید آموزش و تفهیم فرهنگ ترافیک به مجریان این امر و مردم مورد توجه و تاکید قرار گیرد. و کلام آخر اینکه نه مشکل ترافیک و نه سایر تنگناهای متعدد مردم ایران با زور و قوه قهریه و توسط حاکمیتی که جز استفاده از زور و سرکوب راهکاری نمیشناسد قابل حل شدن نیست. باید حاکمیت ملی و منبعت از مردم باشد تا به مردم فکر کند و بتواند مشکلات آنان را برطرف نماید.

از قیاس‌اش خنده آمد خلق را

چند روزی است که باز مطلب تازه‌ای از قول مقامات مسئول سر زبانها افتاده که شنیدنش تاسف برانگیز است. میگویند اگر برای بازی‌های سیاسی و اقتصادی بهای هر بشکه نفت به زیر پنج دلار هم سقوط نماید ما چرخهای مولد را به همان خوبی گذشته می‌گردانیم و خم به ابرو نمی‌آوریم. یعنی از نظر ما پنج دلار مساویست با صد دلار و بالعکس ...

نمیدانیم این کلام را یک شوخی بيموقع یادروغ سال بنامیم. گویا بشکر کنجکاو که در اولین مراحل شناسائی راههای پیشرفت بسوی تمدن بوجود این طای سیاه پی برد و بتدریج صدها فرآورده سفید از آن ساخت برای آن بود که افرادی مبتکر در آغاز قرن بیست و یکم با کشف فرمول جدید ریاضی بگویند اگر بهر دلیل بهای نفت به بشکه ای چهار دلار هم تنزل نماید برای ما واقعه مهمی رخ نموده است و این اتفاق پشت ما را خم نمیکند. بیاد طنز لطیفی می‌اقتیم که میگویند جوانی در خوردن شیرینی خیلی افراط میکرد گفتند کمی احتیاط کن و کمتر بخور. چرا که علما میگویند شیرینی زیادی عقل را ضایع می‌کند جوان خندید و گفت: مهمل میگویند من خانه موروثی پدری ام را فرو ختم و همه اش شیرینی خوردم اما ذره‌ای از عقلم ضایع نگردید.

راستی در برابر بیراهه روی و خطا کارها چه اتفاق کمر شکنی باید برای ملت ایران روی نماید تا بیشتر از آنی که مبینیم زندگی‌ها را تحت تاثیر قرارداد و بزرگ و کوچک با احساس خطر از خواب بیدار شوند و مشاهده نمایند که شعله‌های آتش بزیر پرده‌های منازل شان هم نزدیک شده است. کجای دنیا زمامداران کشوری در نتیجه نداشتن دیپلماسی روشن و اصرار در لجاجتی برای جدل با مخالف و دگراندیش از حفظ منافع ملی غافل میمانند حتی هر لحظه

بر ضد منافع ملی عمل میکنند تا در راههای خطرناکی گرفتار آیند و ناچار به هر وضعیت تازه‌ای تن در دهند. از یک طرف با گردن افراخته ادعای گذران روز به همان خوبی گذشته را داریم از طرف دیگر در صدد تهیه و تکمیل سلاح‌های سبک و سنگین با همین دلارهای نفتی ارزان شده نشستیم. البته شنیده ایم که گفته اند: ریاضت کش به بادامی بسازد. ممکن است یکی دومورد هم چنین بوده باشد اما انصاف باید این ریاضت کش فدا کار دیگر نه حال و مال جنگیدن را دارد و نه موقعیت و مقتضیات نشانی از گذشته‌ها را بدست میدهد. در این حال و احوال اثر مستقیم بهای نفت در سرتا پای هزینه‌ها را انکار میکنیم که به کجا برسیم؟ آیا فقر پرستی در کنار ثروت‌های کانی وارزشمند و تلاف آن دانسته و ندانسته واقعا فخر و بزرگواری و مدیریت خوب نام دارد؟ و در صورت از دست رفتن فرصت‌ها و عدم همگامی شرافتمندانه با دنیا با تاسف بسیار نخواهیم گفت: پیش لب تشنه جان سپردمی به که گویم، برب آب حیات تشنگی ام کشت .. خود را بدست خویشتن به هلاکت افکندن هیچگاه شایسته تحسین نبوده است. بی مناسبت نیست در کنار سخن جدی یک شوخی هم

نثار خواننده بکنیم. شنیده ایم کارفرمایی شاگرد فعال، بازیگوش و یکدنده‌ای داشت. این شاگرد گاهی موجبات عصبانیت استاد و تنبیه خود را فراهم میساخت و سیلی و مشت به عنوان تذکر دریافت می نمود و در پاسخ به این اها نت و زورگویی ارباب هر چه بعنوان دستمزد گرفته بود میداد پنییر میخرد و میخورد و از تلافی ظلمی که به او رفته بود به خودش آفرین می فرستاد.

اما در مورد ادعای اداره مملکت و تامین زندگی مردم (به همان خوبی) که پیش از تنزل بهای نفت جریان داشت، باید ابتدا در معنای (خوبی) تعمق و توافقی بعمل آید و بعد از خود سؤال نمائیم آیا در دنیائی که وسایل و توقعات رفاهی در فاصله هفته و ماه دگرگون میشود برای ما تنفسی دود آلود و مسموم و خوردن نانی با پنیر یا بدون پنیر برای اکثریت جامعه نهایت آرزو و کمال (خوبی) شمرده میشود



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com